

شکست مفتضحانه “قادر مطلق”

جرج بوش به عنوان فرستاده خدا بر روی زمین آنطور که آرثور شلزنبرگر تاریخ‌نویس معاصر می‌گوید تنها حکومت مذهبی آمریکا در طول تاریخ آن است. جرج بوش که پاره ای مفاهیم مذهبی را از رونالد ریگان عاریه گرفته بود برای به کف آوردن کرسی ریاست جمهوری از تمام استعداد مذهبی ریاکارانه خویش و از تمام سازمانهای مذهبی آمریکائی که به مردم حقنه می‌کنند ارتش آمریکا در سراسر جهان در پی ماموریت مذهبی و رستگار کردن مردم جهان است یاری گرفت. با یاری خدای جنگ طلب جرج بوش یک جنگ محتوم به شکست به آمریکا تحمیل شد. خدای جنگ طلب جرج بوش در مقابل نیروی مقاومت مردمی در عراق زانو زد و به ضعف و زبونی خویش اعتراف نمود. خدای جرج بوش قادر مطلق نبود زیرا سنگی را آفریده بود که خودش نمی‌توانست تکانش دهد. خدای جرج بوش تا خرخره در باتلاق عراق غرق است و خودش نیاز به مساعدت دارد.

خدای جرج بوش در عراق مرد و بدرک واصل شد همانگونه که سایر خدایان چون خدایان یونان به این راه رفتند و می‌روند و فقط در اسطوره‌ها و تاریخ از آنها یاد خواهد شد.

خدای جرج بوش تنها در جبهه جنگ ورشکسته نشده است، هم اکنون یک جنبش قدرتمند ضد مذهبی و روشنگرانه به پیشگامی دانشمندان، زیست‌شناسان در حال شکل‌گیری است که از دانش و ماتریالیسم در مقابل هجوم قبایل عقب مانده قرون وسطائی مذهبی به حمایت برخاسته است. تبلیغات ارتجاعی مذهبی جرج بوش و شمشیرکنی وی بر روی اسلام با برق ساطع شمشیرهای ضد مذهبی دانشمندان بر ضد همه مذاهب، بر ضد خرافات مذهب، بر ضد عقب ماندگی، ریاکاری، بر ضد جهالت بشریت روبرو شده است. دانشمندان یک صدا می‌گویند که **مذهب افیون توده هاست**. آنها بجای جنگ فرهنگها و بجان هم انداختن مردم، نبرد را بر ضد فرهنگ جهالت آغاز کرده اند، نبردی که خدای دانش در آن همیشه پیروزمند و قادر مطلق است. آنها تنها مسلمانان بنیادگرا را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند آن مسیحیانی نیز که بیمارستانهایی را که در آنها سقط جنین مجاز است آتش زده و منفجر می‌کنند زیر پرشش می‌برند. مطبوعات غربی که آب به آتش نبرد فرهنگها می‌ریزند و هر روز بهانه ای برای توهین و حمله به مسلمانان اختراع می‌کنند خوش ندارند در مورد این قبیل موارد داد سخن دهند و افکار عمومی را در مورد تروریستهای مسیحی روشن کنند. ولی این دانشمندان با کتب و سلسله مقالات خویش، با ایراد سخنرانیها در مجامع عمومی بند از بند تروریستهای مسیحی که مسیحیت سیاسی را غالب می‌کنند می‌گسلند. آنها همه مذاهب را که مبتنی بر انتقام جوئی، دستورالعملهای جنائی و کشتار کفار هستند در صندلی اتهام می‌نشانند و افساء می‌کنند. آنها مرز روشنی میان توهین مذهبی، توهین به معتقدات و باورهای ریشه دار مردم و روشنگری مذهبی می‌کشند. آنها مانع می‌شوند که مرز مبارزه طبقاتی و ضد مذهبی مخدوش شود و ارتجاع از آن به نفع خویش سود ببرد. این دانشمندان وجود روح جدا از ماده و دنیای باقی را رد می‌کنند و می‌گویند پیدایش توانائی فکر از دانشمندان انگلیسی بنام ریچارد داوگنیز که کتابش پر فروشنترین کتاب انگلستان شده است حتی به این تئوری که گفته می‌شود: “گرچه که خدا وجود ندارد ولی بشریت برای داشتن ارزشهای انسانی به مذهب نیاز دارد” پاسخ روشن منفی می‌دهد. چنین استدلالی فرار از مبارزه با خرافات مذهبی و تاکیدی بر این امر است که گویا انسانها گرگ یکدیگر هستند و مقاصد پست و پلید از بدو تولشان در وجود آنها لانه کرده است. بر اساس این تفکر نباید به انسان اعتماد کرد. این شیوه تفکر طبیعتاً همان شیوه تفکر مذهبیون است که انسانها را گله گوسفندانی جا می‌زند که برای چراندن آنها به وجود چوپان نیاز هست. این شیوه تفکر مذهبی اساساً همان تفکری است که هر انسانی را مملو از گناه دانسته و مقصر و متهم است مگر اینکه به خدای خویش متوسل شود و به کلیسا و یا آخوند تمکین کند.

این زیست‌شناس بزرگ انگلیسی می‌گوید زیست‌شناسی حیوانات قوانین داروین را ثابت می‌کند و حتی توضیح می‌دهد که چرا انسانها اساساً اخلاقی عمل می‌کنند. ما در دنیای حیوانات که انسان هم جزء تکامل یافته آنهاست به موارد بی شماری از فداکاری روبرو می‌شویم که به آن “آلتروئیسم” می‌گوئیم. ما در مورد مورچه های نوع معینی، در مورد زنبورهای عسل و یا زنبورهای غیر عسل با این پدیده فداکاری “اخلاقی” روبرو هستیم. برای توجه به کودکان و یاری رساندن به کسانی که نیازمند ترحم اند به مذهب نیازی نیست، به ترس از خدا نیازی نیست، بشریت حتی در دوران تحوش رعایت حال کودکان خویش را که برای بقاء نسل مفید بوده اند و نیروی کار و تامین آتیه محسوب می‌شدند می‌کرده است. بر این اساس حیوانات زندگی کودکان خویش را تا لحظه ای که بگریزند تامین کرده و از آنها محافظت می‌کنند. این حیوانات نه تورات و انجیل را خوانده اند و نه قرآن را و نه به مسجد رفته اند و نه به کلیسا. این ارزشهای اخلاق سر و کله اش با آمدن مذاهب بزرگ کنونی بوجود نیامده است. در دنیای خفاشها بر اساس شرط “کمکم کن تا کمکت کنم” خفاشها خون را با همجنسان گرسنه خویش تقسیم می‌کنند و این شامل آن گرسنگانی می‌شود که قبلاً به آنها یاری رسانده اند. در حالیکه نه مسیحی هستند و نه یهودی و نه مسلمان.

زندگی اجتماعی اولیه بدون این همکاری مشترک امکان بقاء نداشت. در آن دوران واژه “من” وجود نداشت همه چیز در خدمت “ما” بود. زیست‌شناسان کارشناس در عرصه تکامل تدریجی روان انسان، معتقدند با تئوری تکامل تدریجی داروین زندگی مشترک بشر اولیه به آنها یک قواعد اخلاقی ابتدائی جهانشمول عطا کرده است که توانائی روان آنها را برای تشخیص اخلاقی در طی قرون بر اساس تجربه انسانی تکامل داده است و این امر بدون کمک “خدایان” و تنها در اثر تکامل ماده متحرک و محصولات این تکامل بوجود آمده است. در حالی که دانش بشر عمر کره زمین را و نه عمر کائنات را ۴/۶ میلیارد سال تخمین می‌زند رمالان مذهبی در آمریکا عمر زمین را ۶ هزار سال می‌دانند. تعداد آنها ۵۲ در صد مردم تحقیق شده آمریکاست که فاقد اراده آزاد برای اتخاذ تصمیم درست هستند. بنیادگرایان مسیحی که همان چماقداران حزب الهی هستند در آمریکا به ترور روانی دانشمندان اشتغال دارند، از سخنرانی آنها ممانعت می‌کنند و آنها را به قتل تهدید می‌کنند بطوریکه آنها باید با محافظ حرکت کنند. این بیماری خطرناک مذهبی از جانب دولت سرمایه داری امپریالیستی حمایت می‌شود. بر اساس سرشماری نشریه نیوزویک آمریکا ۳۷ در صد مردم آمریکا نمی‌توانند تصور کنند که رئیس جمهور آنها یک فرد غیر مذهبی باشد. جامعه شناس زن آمریکائی بنام پنی ادگل Penny Edgell از دانشگاه مینوسوتا در مینه آپلیس می‌گوید: “افکار عمومی وسیعی در آمریکا لامذهبان را خطری برای شیوه زندگی آمریکائی می‌دانند”. نبرد میان خرافات مذهبی و روشنائی دانش بشری مانند تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق با شکست محتوم روبروست. خدای جرج بوش هم در عرصه عراق و هم در عرصه دانش بشری با خفت جان تهی خواهد کرد. هم اکنون نهضت بزرگی در اروپا و آمریکا بوجود آمده است که نبرد فرهنگها با خرافات را آغاز کرده است. جرج بوش در این نبرد با حواریون مسیحی خویش تنهاست و به ناکامی با خفت تن در می‌دهد. ما کمونیستها که به لامذهبی خویش مفتخریم و به دانش بشری ایمان داریم و سر سجده در مقابلش فرود می‌آوریم و به الت دست امپریالیستها بدل نشویم. ما در این عرصه مبارزه، نقش کثیف کاریکاتوریست های صهیونیستی را در دانمارک و نقش پاپ اعظم را در دامن زدن به جنگ فرهنگها که گویا مسیحیت خردمند است و اسلام ستیزه جو و بی منطق برملا کردیم و در آینده نیز نقش آنها و همدستان بومی آنها را برملا خواهیم کرد.

مبارزه ضد مذهبی باید یک مبارزه روشنگرانه باشد و تابع مصالح مبارزه طبقاتی پرولتری قرار گیرد. مبارزه مذهبی انتزاعی و بی رابطه با مبارزه طبقاتی تقویت خرافات مذهبی است. این همان کاری است که مریدان منصور حکمت می‌کنند و در عمل چماق دست ساموئل هانتینگتون و ایهود اولمرت هستند.

بر گرفته از توفان شماره ۸۱ آذر ماه ۱۳۸۵ ارگان مرکزی حزب کارایران

www.toufan.org toufan@toufan.org